

برآورد و تحلیل منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در بخش غیررسمی^۱

زهرا کریمی موغاری^۲، شهریار زروکی^۳ و زریان احمدی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰

چکیده

امروزه شاغلان غیررسمی، سهم بزرگی از کل اشتغال در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران را به خود اختصاص داده‌اند. گسترش بخش غیررسمی، یا به دلیل پنهان ماندن از نظارت‌های دولتی، و یا عدم مقابله دولت با این بخش به سبب اهمیت آن در ایجاد فرصت‌های شغلی برای جویندگان کار، در کاهش منابع تأمین اجتماعی تأثیر بسزایی داشته است. از آنجایی که عمده منابع تأمین اجتماعی در ایران بر دریافت حق بیمه استوار است، هر چه سهم بخش غیررسمی در یک منطقه بیشتر باشد، از شمار بیمه‌پردازان کاسته شده و درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین، اگر گروهی از شاغلان بخش غیررسمی از این ویژگی برخوردار باشند که در صورت حمایت دولتی به بخش رسمی منتقل شوند، تأثیر مثبتی بر منابع تأمین اجتماعی خواهد داشت. این مقاله با بررسی سهم بخش غیررسمی قابل تبدیل به بخش رسمی در مناطق شهری استان کردستان، تأثیر این انتقال را بر افزایش منابع

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/edp.2018.20591.1155

۲. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران؛ Zahra.karimimoghari@gmail.com

۳. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)؛ sh.zaroki@umz.ac.ir

۴. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه مازندران؛ zryanahmadi@gmail.com

مالی تأمین اجتماعی این استان بررسی می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در مناطق شهری استان کردستان در فعالیتهای ساختمانی، صنعت، عمده فروشی و خرده فروشی است و با تبدیل اشتغال غیررسمی به رسمی در این بخش‌ها، منابع درآمدی تأمین اجتماعی در استان به نحو چشمگیری افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی: استان کردستان، اشتغال غیررسمی، تأمین اجتماعی

طبقه‌بندی JEL: G22, H55, O17

۱. مقدمه

براساس توافق به عمل آمده در هفدهمین کنفرانس آمارشناسان کار^۱ در سال ۲۰۰۲، اشتغال غیررسمی^۲، شامل نیروی کار غیررسمی در بنگاه‌های رسمی، اشتغال در بخش غیررسمی^۳ (به استثنای کارگر رسمی در بنگاه غیررسمی) و خویش فرمایان و کارکنان فامیلی بدون مزد است. به‌طور کلی، بخش غیررسمی از دو بعد قابل مطالعه است. نخست بعد عرضه نیروی کار است که به دلیل فقر، نیاز و عدم امکان اشتغال در بخش رسمی به این بخش متوسل می‌شود و دوم، بعد تقاضای نیروی کار که کارفرمایان با در نظر گرفتن منافع خود و عدم التزام به تعهدهای حقوقی و قانونی که در بخش رسمی ناگزیر از پذیرش آن هستند و به بیان اقتصادی به دلیل هزینه مبادله^۴، تقاضای نیروی کار خود را از این بخش تأمین می‌کنند.

گسترش بخش غیررسمی در اقتصاد می‌تواند بر تولید ناخالص داخلی، توزیع درآمد، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت از طریق تأثیر بر مالیات دریافتی و تأثیر بر منابع تأمین اجتماعی تأثیرگذار باشد. بخش غیررسمی از دو جهت می‌تواند بر منابع تأمین اجتماعی اثرگذار باشد. از یک طرف، شاغلان بخش غیررسمی با ویژگی‌هایی همچون دستمزد کم و در نتیجه فقر و درآمد اندک، توان پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی را نخواهند داشت. از سوی دیگر، به منظور کاهش هزینه‌های نیروی کار و در نتیجه کاهش بیکاری از یک سو با اجرای قوانینی همچون خارج کردن کارگاه‌های زیر ۵ نفر کارکن از شمول قانون کار و فرار بیمه‌ای کارفرمایان در کارگاه‌های بیش از ۵ نفر کارکن به کاهش منابع تأمین اجتماعی می‌انجامد (کریمی، ۱۳۹۰).

در حال حاضر، برای اغلب صندوق‌های بازنشستگی کشور، ورودی جدید (شاغلان جدید مشترک صندوق) کمتر از خروجی‌ها است. از این رو، نسبت پوشش حمایتی (تعداد مشترکان شاغل به تعداد مشترکان بازنشسته)، به سرعت در حال کاهش است. برای نمونه در سال ۸۶

1. 17th International Conference of Labor Statisticians (ICLS)

2. Informal Employment

3. Informal Sector

4. Transaction Cost

این نسبت برای صندوق بازنشستگی کشوری کمتر از $1/8$ و برای سال ۷۰ برای صندوق یاد شده $7/1$ بوده، یعنی برای هر بازنشسته از $7/1$ شاغل کسور حق بیمه دریافت می‌شده است. این نسبت در سال ۹۴ به $0/98$ درصد رسیده است (نشریه آماری صندوق بازنشستگی کشوری، بهار ۱۳۹۵). بررسی‌ها نشان می‌دهد که این نسبت همچنان رو به کاهش است و اگر ورودی‌های جدید همچنان بسته باشد، تا قبل از سال ۱۴۰۰ تعداد بازنشستگان مشترک صندوق، بیش از تعداد شاغلان مشترک خواهد بود (روغنی‌زاده، ۱۳۸۶).

یکی دیگر از عوامل کاهش تعداد مشترکان شاغل به مشترکان بازنشسته، ترکیب هرم جمعیتی ایران و کاهش جمعیت جوان ایران است؛ به طوری که طبق آخرین نتایج سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، جمعیت گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال، با روند کاهشی محسوس در حدود $5/6$ درصد همراه بوده و در عین حال جمعیت گروه سنی ۳۰ سال به بالا، روند افزایشی خود را با سرعت بیشتری ادامه داده است (نتایج سرشماری مرکز آمار، ۱۳۹۵). این تغییرات حاکی از حرکت ساختار هرم سنی کشور به سوی سالمندی بیشتر و جوان‌زدایی سریع‌تر است. بنابراین، افزایش سهم اشتغال غیررسمی در حال حاضر و کاهش جمعیت جوان کشور در سال‌های آتی، دو عامل مهم در کاهش شمار بیمه‌پردازان و در نتیجه، کاهش درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی کشوری خواهند بود.

آمار بالای بیکاری در استان کردستان و عدم امکان اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی، باعث رشد مهاجرت افراد از مناطق روستایی استان به سوی مناطق شهری شده، که بیشتر این افراد پس از ورود به شهر در فعالیت‌های غیررسمی جذب می‌شوند. همچنین با نگاهی به هرم جمعیتی استان، کاهش محسوسی در جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال نیز مشاهده می‌گردد؛ به طوری که جمعیت ۱۵ تا ۲۹ سال استان از ۴۹۲۰۵۶ نفر در سال ۱۳۹۰ به ۴۲۵۳۰۸ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است (نتایج سرشماری مرکز آمار، ۱۳۹۵). بنابراین در صورت فقدان برنامه‌ریزی مناسب در استان و تداوم وضعیت کنونی، گسترش فعالیت‌های غیررسمی در استان در سال‌های آتی شتاب بیشتری خواهد گرفت.

پژوهش حاضر با بررسی سهم بخش غیررسمی در استان کردستان و شناسایی فعالیت‌های غیررسمی قابل انتقال به بخش رسمی در مناطق شهری استان، تأثیر این انتقال را بر افزایش منابع مالی تأمین اجتماعی کردستان برآورد می‌کند. برای این منظور با استفاده از ریز داده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، اشتغال غیررسمی محاسبه و سپس با استفاده از مفهوم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا به اشتغال رسمی، منابع از دست رفته تأمین اجتماعی به تفکیک بخش‌ها محاسبه می‌شود. بر این اساس، چارچوب مقاله بدین شرح است که پس از مقدمه در بخش دوم، مبانی نظری تحقیق مطرح شده است. در بخش سوم، اشتغال غیررسمی و در بخش چهارم، سهم بخش غیررسمی قابل ارتقا به اشتغال رسمی محاسبه خواهد شد. نتایج و پیشنهادها در بخش پنجم ارائه خواهد گردید.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. اشتغال غیررسمی

بخش غیررسمی براساس ماهیت بنگاه تعریف می‌گردد؛ در حالی که اشتغال غیررسمی گسترده تر است و حمایت‌های شغلی را معیار قرار می‌دهد. ممکن است افراد در بخش رسمی فعالیت داشته باشند، اما تحت پوشش قوانین کار (حداقل دستمزد، بیمه و...) نباشند. اینجا است که مفهوم اشتغال غیررسمی برای پوشش دادن انواع فعالیت‌های غیررسمی مطرح می‌گردد (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۷). سازمان بین‌المللی کار، اشتغال غیررسمی را شامل کلیه افرادی می‌داند که در مشاغل غیررسمی (فرد شاغل در آن بدون داشتن قرارداد رسمی کار، با کمترین دستمزد و بدون برخورداری از حداقل مزایای استخدامی مشغول به کار است) به کار مشغول‌اند، صرف‌نظر از اینکه شغل اصلی یا ثانوی آنها باشد. اشتغال غیررسمی می‌تواند در بخش رسمی، بخش غیررسمی یا خانوار باشد و شامل موارد زیر است:

- برای خود اشتغالان در صورتی که فعالیت در بخش غیررسمی باشد، اشتغال آنها نیز غیررسمی محسوب می‌شود؛
 - کارکنان فامیلی بدون مزد، صرف‌نظر از بخشی که در آن کار می‌کنند، دارای اشتغال غیررسمی محسوب می‌شوند؛
 - مزدبگیران و حقوق‌بگیران در صورت داشتن اشتغال غیررسمی در بخش رسمی، یا بخش غیررسمی و یا در صورت اشتغال در خانوار، دارای اشتغال غیررسمی محسوب می‌شوند.
- ضوابط متعارف برای اطلاق عنوان غیررسمی به اشتغال، عبارت از نداشتن قرارداد، نداشتن مرخصی سالانه با حقوق، نداشتن مرخصی استعلاجی و پرداخت نشدن حق بیمه از طرف کارفرما است (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۲).

۲-۲. عوامل مؤثر بر گسترش اشتغال غیررسمی

انگیزه افراد از فعالیت در بخش غیررسمی در کشورهای توسعه یافته، با کشورهای در حال توسعه متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه، خروج بخشی از فعالیت‌ها از بخش رسمی اقتصاد به صورت عمدی نیست بلکه نقصان در قواعدبازی و چارچوب‌های قانونی، انگیزه لازم را در بخش غیررسمی ایجاد می‌کند؛ در حالی که در کشورهای توسعه یافته، فرار از قوانین و مقررات به عمد صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، در کشورهای توسعه یافته فعالیت‌های انجام شده خارج از اقتصاد رسمی، ممکن است، هم از نظر اقتصادی مولد باشند و هم، کاملاً قانونی باشد (در صورتی که استانداردها و مقررات معینی را رعایت کرده باشند)، اما به منظور اجتناب از پذیرش یا اجرای بعضی از قوانین و مقررات خاص (نظیر پرداخت مالیات بر درآمد، ارزش افزوده یا سایر مالیات‌ها، خودداری از پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی، رعایت نکردن استانداردهای

حفاظتی یا بهداشتی یا رعایت نکردن روش‌های اداری معین مانند تکمیل پرسشنامه‌های آماری یا سایر فرم‌های اداری) کل یا بخشی از فعالیت آنها به عمد از مقامات دولتی پنهان نگهداشته می‌شود، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، بخش غیررسمی به منظور ایجاد اشتغال، شکل گرفته و توسعه می‌یابد (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۲).

به‌طور کلی، عواملی نظیر نرخ‌های بالای مالیات، حداقل دستمزدها، تورم، بیکاری و بوروکراسی ناکارآمد را از عمده دلایل گسترش بخش غیررسمی می‌توان نام برد (بختیاری و خوب‌خواهی، ۱۳۹۰):

– نرخ‌های بالای مالیات (که در کشورهای صنعتی و توسعه یافته از اهمیت بیشتری برخوردار است)، یکی از مهم‌ترین علل ایجاد فعالیت‌های بازار کار غیررسمی است. افزایش بار مالیات، انگیزه قوی برای کار کردن در بازار کار غیررسمی ایجاد می‌کند (بوئری و همکاران^۱، ۲۰۰۱).

– گزارش بانک جهانی، حاکی از کاهش مشاغل رسمی در اثر افزایش حداقل دستمزدها است، که این مساله به ورود کارگران به بازارهای غیررسمی کار با دستمزدهای پایین می‌انجامد و اشتغال در این بخش افزایش می‌یابد (گزارش بانک جهانی، ۱۹۹۰).

– سومین عامل اثرگذار بر ایجاد فعالیت‌های غیررسمی افزایش نرخ تورم است. با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها قدرت خرید بسیاری از مردم کاهش یافته و شمار بسیاری از خانوارها زیر خط فقر قرار خواهند گرفت که در بسیاری از مواقع افراد را به سوی مشاغل دوم و سوم و ورود به بازارهای کار غیررسمی می‌کشاند.

– نرخ بالای بیکاری، عامل مهم دیگری است که باید به آن توجه کرد. در واقع، بیکاری در نتیجه مازاد عرضه نیروی کار نسبت به تقاضای کار به وجود می‌آید. این عدم تعادل بازار کار می‌تواند به دلایلی چون افزایش جمعیت، جوان بودن جمعیت، افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی، کاهش درآمد سرانه و تغییر اندازه و ترکیب جمعیت و سن ورود به بازار کار باشد. رشد نرخ بیکاری تأثیر بسیار زیادی در گسترش فعالیت‌های غیررسمی داشته و این عامل بر تصمیم فرد در انتخاب بین کار در بخش رسمی و غیررسمی اثر می‌گذارد و انگیزه فعالیت در بخش غیررسمی را افزایش می‌دهد (آن و دلاریکا^۲، ۱۹۹۷).

این وضعیت در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی در بیشتر کشورهای جهان (آمریکای لاتین در دهه ۸۰، بحران اقتصادی آسیا در دهه ۹۰ و...) تجربه شد؛ به‌طوری که در دوره رکود، با افزایش تورم و تعطیلی و کوچک‌شدن کارگاه‌ها، نیروی کار بیکار شده، به بخش غیررسمی پناه می‌برد (جهان تیغ، ۱۳۹۳).

- فساد و بوروکراسی ناکارآمد (بویژه در کشورهای در حال توسعه) از جمله عوامل دیگری است که می‌تواند در ایجاد و توسعه بخش غیررسمی مؤثر باشد. در جامعه‌ای که فساد حاکم باشد، به دلیل گریز از قانون و انجام غیرشفاف فعالیت‌ها، توجه به بخش غیررسمی بیشتر می‌شود. وقتی کسب و کار و بازرگانی به بخش غیررسمی منتقل می‌شود، موانع ورود به بخش رسمی، و مخارج زیاد کسب و کار در این بخش، بخصوص در شرایطی که فساد حاکم است، کسب و کار در بخش رسمی را پرهزینه و دشوار ساخته و فعالیت‌ها بیشتر به سمت بخش غیررسمی گرایش می‌یابد. از آنجا که منشأ فساد می‌تواند عوامل نهادی، سیاسی، اجتماعی و ساختاری باشد، همه این عوامل نیز می‌توانند در ایجاد و گسترش بخش غیررسمی نقش داشته باشند. مطالعات و تحقیقات متعدد در کشورهای OECD، آمریکای لاتین و اقتصادهای درحال‌گذار، نشان داده‌اند که با گسترش فساد و ضعیف شدن نقش قانون، فعالیت‌ها به بخش غیررسمی منتقل شده و حجم اقتصاد غیررسمی افزایش می‌یابد (نیلی و ملکی، ۱۳۸۵).
- فقر و اشتغال غیررسمی: نیرویی که بیشتر مردم را به انجام مشاغل مختلف، چه خوب، چه بد، چه سخت و چه آسان، در بخش غیررسمی وامی‌دارد، فقر است. فقیر بودن به این معنی است که فرد نمی‌تواند آزادانه بیکار باشد و تقریباً هر شغلی به نظر بهتر از بیکاری است. بنابراین فقر روزافزون یکی از دلایل عمده برای رشد اقتصاد غیررسمی محسوب می‌شود (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۲). با این وجود، ارتباط بین کار کردن به طور غیررسمی و فقیر بودن همیشه آسان نیست. از یک طرف، کلیه مشاغل در اقتصاد غیررسمی درآمدهای ناچیز ندارند. مطالعات پس‌زمینه‌ای که برای تهیه گزارش سازمان بین‌المللی کار در مورد "کار شایسته و اقتصاد غیررسمی" در ژوئن ۲۰۰۲ انجام شده، نشان می‌دهد افرادی که در اقتصاد غیررسمی، بویژه خوداشتغالی، کار می‌کنند بیشتر از کارگران غیرماهر یا کم‌مهارت در اقتصاد رسمی عایدی کسب می‌کنند. با این وجود، نمی‌توان این قضیه را انکار کرد که نیرویی که اکثر مردم را به انجام مشاغل ناپسند در اقتصاد غیررسمی وادار می‌سازد، فقر است و درآمدهای پایین، چنین مشاغلی دور باطل فقر را ایجاد می‌کند (جهان تیغ، ۱۳۹۳).

۲-۳. پیامدهای گسترش اشتغال غیررسمی

اشتغال غیررسمی با وجود اینکه می‌تواند نرخ بیکاری را کاهش دهد، اما از طرف دیگر، می‌تواند آثار زیانباری را برای دولت‌ها و جامعه پدید آورد. از پیامدهای اشتغال غیررسمی می‌توان به تخمین نادرست از تولید ناخالص داخلی و کاهش میزان مالیات دریافتی از سوی دولت و بالطبع تأثیر بر سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها، تأثیر بر توزیع درآمد و افزایش اختلاف طبقاتی و کاهش رفاه اجتماعی اشاره کرد.

تخمین نادرست از تولید ناخالص داخلی: به دلیل تفاوت میان میزان واقعی درآمد و میزان ثبت شده آن، همیشه تخمین کمتر از واقعی (در شرایطی که اقتصاد غیررسمی حجم بالایی داشته باشد) تولید ناخالص داخلی وجود خواهد داشت. اصولاً در کشورهایی که بخش غیررسمی با سرعتی بیش از بخش رسمی رشد می‌کند، قضاوت در مورد رشد اقتصادی با خطای زیادی همراه است.

کاهش مالیات دریافتی: چنانچه منابع دریافت مالیات در جامعه کاهش یابد، طبیعتاً درآمدهای مالیاتی نیز کاهش خواهد یافت.

تأثیر بر توزیع درآمد: رشد بخش غیررسمی از دو طریق بر توزیع درآمدها اثرگذار است. یکی از این راه‌ها کاهش درآمدهای دولت برای توزیع مجدد و کاهش اختلاف طبقاتی است و دیگری از طریق اختلاف طبقاتی که به طور طبیعی بر اثر فعالیت غیررسمی در جهت بهبود وضعیت عاملان آن ایجاد می‌شود.

تأثیر بر برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها: در یک نظام تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاران بر اساس یک نظام اطلاعاتی حاوی شاخص‌های آماری تصمیم‌گیری می‌کنند. اگر نظام اطلاعاتی تحت تأثیر اقتصاد غیررسمی باشد، سیاست‌گذاری‌ها نیز نتایج مورد نظر را نخواهند داشت؛ زیرا از طرفی منابع و از طرفی نتایج با خطا مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

کاهش رفاه اجتماعی: کاهش درآمدهای دولت در اثر گسترش فعالیت‌های غیررسمی، منجر به کاهش سطح کالاها و خدمات عمومی و به تدریج کاهش سطح رفاه اجتماعی و کمبود حمایت‌های اجتماعی می‌شود" (سلیمی فر و کیوانفر، ۱۳۸۹: ۱۳).

"از آنجا که بیشتر جمعیت کشورهای در حال توسعه را مزدبگیران بخش غیررسمی و کارگران مستقل تشکیل می‌دهند و از هیچگونه حمایت اجتماعی برخوردار نیستند، اولویت بخشیدن به پوشش اجتماعی برای این جمعیت الزامی است. این کارگران با درآمد کمی که به دست می‌آورند، از نظام‌های حمایت اجتماعی بهره‌مند نیستند (بیمه غرامت بازنشستگی). کمبود حمایت‌های اجتماعی در اقتصاد غیررسمی، نه تنها یکی از چالش‌های عمده این بخش به شمار می‌رود، بلکه اقتصاد رسمی را نیز با تهدید جدی مواجه ساخته است" (بختیاری و خوب‌خواهی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

۴-۲. تأمین اجتماعی و مفاهیم مربوط به آن

۴-۲-۱. نظام‌های تأمین اجتماعی

نظام‌های تأمین اجتماعی با هدف اولیه حفظ و تقویت جایگاه اجتماعی افراد و ارتقای سطح رفاه اجتماعی آحاد جامعه شکل گرفته‌اند. سیستم تأمین اجتماعی با توزیع افقی مجدد درآمد (توزیع بین نسلی)، حق بیمه پرداختی مردم یا مالیات‌ها که بر مبنای یک نظم مستمر پرداخت

می‌شود، در بین کسانی که سیستم تأمین اجتماعی از آنها مراقبت می‌کند (توزیع درآمدها از شاغلان به بیکاران، از افراد سالم به بیماران، از کسانی که در سن کار و فعالیت هستند به بازنشستگان و مستمری بگیران)، به افزایش رفاه اجتماعی کمک می‌کند. هر کس در طول زندگی خود در یکی از این حالات فوق‌تر قرار می‌گیرد. زمانی با پرداخت‌های خود به منابع مالی سیستم تأمین اجتماعی کمک می‌کند و زمانی از کمک‌های سیستم تأمین اجتماعی برخوردار می‌گردد. پرداخت مزایای تأمین اجتماعی در قالب مستمری، با افزایش تقاضای کل می‌تواند افزایش تولید و اشتغال را در پی داشته باشد (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۸۴).

بنابراین، این نظام‌ها با توزیع مجدد درآمدها، ابزار مناسبی جهت برقراری عدالت اجتماعی به شمار می‌روند. حقیقت این است که انسان‌ها در هر نقطه و با هر فرهنگ و سطح توسعه یافتگی اقتصادی، به دلیل آنکه با مخاطرات گوناگون اجتماعی و اقتصادی روبرو هستند، نیازمند ساز و کارهایی جهت دستیابی به شرایط مناسب زندگی برای خود و خانواده خویش می‌باشند. از این‌رو، تشکیل نظام تأمین اجتماعی، تأمین درآمد جایگزین برای شاغلان در هنگام از کار افتادگی یا بازنشستگی و غیره و همچنین ارتقای سطح سلامت جامعه از طریق ارائه خدمات درمانی و ارائه کمک هزینه به خانواده‌ها جهت امرار معاش و تربیت فرزندان، مورد تأکید و توجه دولت‌ها قرار گرفت. در این راستا کشورهای مختلف، متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود از راهبردهای گوناگونی از جمله مساعدت اجتماعی، مزایای همگانی، بیمه‌های اجتماعی، صندوق‌های احتیاط، صندوق‌های پس‌انداز مبتنی بر حساب‌های انفرادی، نظام‌های مسؤولیت کارفرما و غیره استفاده می‌کنند (آلوارو^۱، ۲۰۰۱).

۲-۴-۲. بیمه‌های اجتماعی

طرح‌های بیمه اجتماعی مستمری عمومی به عنوان راهکاری حمایتی برای پشتیبانی از شاغلان از دستاوردهای انقلاب صنعتی مطرح شد. بیمه اجتماعی به طور خاص و نظام‌های مستمری در جهت حمایت از شاغلان، در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی از آلمان و در زمان صدر اعظمی بیسمارک آغاز شد و به دیگر کشورهای جهان گسترش یافت. بدین ترتیب در اکثر کشورهای جهان چنین نظامی معرفی گردید که از طریق حق بیمه‌های هماهنگ (عمدتاً درصدی از حقوق و دستمزد افراد) تأمین مالی می‌شدند (سازمان بین‌المللی کار، ۱۹۹۷). در ایران در زمینه استقرار نظام تأمین اجتماعی همزمان با احداث شبکه راه‌آهن در سال ۱۳۰۹ و تمرکز کارگران و بروز سوانح و پیشامدهای مختلف (که منجر به تشکیل صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع در سال ۱۳۱۰ گردید)، قدم‌های اولیه برداشته شد (پیرویان و جیوار، ۱۳۸۲).

۳-۴-۲. روش‌های تأمین منابع مالی بیمه‌های تأمین اجتماعی

در بیمه‌های اجتماعی دولت، کارفرما و بیمه شده، از تحولات بازار کار همچون حداقل دستمزد، نرخ بیکاری و غیره تأثیر پذیرند و در مقابل نیز چگونگی تأمین مالی بیمه‌های اجتماعی بر بازار کار تأثیر گذار است. گروهی معتقدند هزینه‌های تأمین مالی تأمین اجتماعی بر هزینه‌های کار کارفرمایان (اگر دستمزد به سمت پایین انعطاف‌پذیر نباشد)، افزوده می‌شود و منجر به جانشینی سرمایه به جای نیروی کار، کاهش اشتغال و افزایش بیکاری می‌گردد. استینر^۱، رابطه اصلاحات تأمین اجتماعی را بررسی نموده و نشان داده در بلند مدت، افزایش مالیات بر درآمد و نرخ کسورات تأمین اجتماعی کارگران، دستمزد واقعی را افزایش می‌دهد و با افزایش هزینه‌های واقعی نیروی کار، به میزان مشابه، اشتغال را کاهش می‌دهد. اما اثر نسبتاً کمی بر دستمزدهای بالاتر دارد و کاهش کسورات تأمین اجتماعی بر افزایش اشتغال در بلند مدت مؤثر است. اما در کوتاه مدت تغییرات دستمزد و اشتغال به روش‌های تأمین مالی سیستم تأمین اجتماعی بستگی دارد (استینر^۲، ۱۹۹۶).

الف) تأمین مالی از محل مالیات

تأمین مالی از محل مالیات (درآمدهای عمومی) اغلب در طرح‌های حمایت همگانی صورت می‌گیرد. حمایت همگانی مبتنی بر تابعیت یا اقامت شهروندان است که شامل مساعدت اجتماعی و خدمات اجتماعی است (نظام حمایتی). این سیستم به اعتبارات دولتی وابسته بوده و دایره وسعت آن اقشار آسیب‌پذیر جامعه (معلولان و از کارافتادگان جسمی و ذهنی، کودکان بی‌سرپرست، خانواده زندانیان و ...) را به دلیل ناتوانی کسب درآمد، شامل می‌شود. از مزایایی که جهت چنین سیستم‌هایی برشمرده شده، این است که چنین طرح‌هایی در مقایسه با طرح‌های بیمه‌های اجتماعی، در کاهش فقر مؤثرترند و دلیلش آن است که این حمایت‌ها به صورت مبلغ ثابت بوده و به افرادی پرداخت می‌شود که فاقد توان کسب درآمد بوده و یا از توان محدودتری برخوردار می‌باشند. از معایب این طرح، پرهزینه بودن آن می‌باشد، مالیات‌ها ممکن است بر مبنای درآمد یا سرمایه شخص و یا حالت‌های دیگری تعیین شود (لامپمن^۳، ۱۹۶۸).

ب) تأمین مالی از محل حق بیمه

زمانی که منابع مالی طرح تأمین اجتماعی از طرف کارفرمایان و کارگران پرداخت شود و حمایت‌ها از کارگران نیز بر اساس پرداخت‌های صورت گرفته باشد، به این طرح تأمین مالی از محل حق بیمه گفته می‌شود و این پرداخت نیز "حق بیمه" خوانده می‌شود (نظام بیمه‌ای).

1. Stienner
2. Stienner
3. Lampman

حق بیمه‌ها ممکن است با نرخ مقطوع باشند یا مرتبط با درآمد تعیین شوند. در اکثر طرح‌های مبتنی بر مشارکت، سابقه پرداخت حق بیمه و میزان مشارکت در دوران بیمه‌پردازی، مبنای استحقاق برخورداری از حمایت را تشکیل می‌دهند. اغلب از تأمین مالی از طریق حق بیمه به عنوان یک مزیت نسبت به تأمین مالی از طریق مالیات نام برده می‌شود؛ زیرا به نظر می‌رسد طرح‌های بیمه‌ای (مشارکتی) بیشتر مورد اعتماد مردم می‌باشند. به این مفهوم که مردم اغلب با پذیرش رابطه بین حق بیمه‌ها و حمایت‌ها سعی در مشارکت بیشتر جهت دریافت حمایت‌های بیشتر می‌کنند (لامپمن، ۱۹۶۸).

۵-۲. تأثیر اشتغال غیررسمی بر منابع تأمین اجتماعی

معمولاً منابع مالی صندوق‌های بیمه‌های اجتماعی در کشورهای مختلف از مشارکت و پرداخت حق بیمه توسط بیمه شده، کارفرما و دولت تأمین، و اصول محوری و اساسی حاکم بر فعالیت صندوق بیمه‌های اجتماعی شامل جامعیت، فراگیری، کفایت و اقتصادی بودن می‌شود؛ به این معنا که باید همه حمایت‌های بیمه‌ای را دربرگیرد، حداقل نیازها را تأمین کند، برای همگان فراهم شود و تعادلی منطقی میان منابع و مصارف فراهم آورد. بنابراین، کارآمدی صندوق‌های بیمه‌های اجتماعی تا حد زیادی تحت تأثیر شرایط اقتصادی جامعه است و با رونق اقتصادی و گسترش اشتغال‌زایی نظام اقتصادی، امکان پوشش بیشتر و افزایش منابع صندوق را فراهم می‌آورد و در شرایط رکود، ورودی افراد و منابع کاهش می‌یابد. همچنین با بهبود بهداشت عمومی و خدمات درمانی، کاهش مرگ و میر و بیماری‌ها و نیز جوانی جمعیت، مصارف تأمین اجتماعی کاهش می‌یابد و در شرایط وخامت شاخص‌های اجتماعی از قبیل بهداشت، مرگ و میر و پیری جمعیت، مصارف صندوق‌ها افزایش خواهد یافت. به علاوه عوامل مهمی چون نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی، هزینه‌های دولت، سیاست‌های جمعیتی، جابه‌جایی‌های ساختاری جمعیت و نیروی کار به طور جدی بر این صندوق‌ها تأثیرگذارند (پیرویان و جیوار، ۱۳۸۲). بنابراین، با گسترده‌گی و افزایش اشتغال غیررسمی انتظار بر این است، ورودی‌های صندوق‌های تأمین اجتماعی کاهش و خروجی‌ها افزایش یابد، که این مساله به کاهش منابع مالی تأمین اجتماعی می‌انجامد.

۶-۲. ادبیات تجربی

مریک^۱ (۱۹۷۶)، در مطالعه‌ای با عنوان "اشتغال و درآمد در بخش غیررسمی برزیل: (مطالعه موردی بلوهوریزونت)"، براساس پرسشنامه خانواری که بر روی ویژگی‌های نیروی کار بخش غیررسمی شهر هوریزونت متمرکز شده بود، در یک نمونه ۲۴۴۵ خانواری سهم شاغلان بخش

غیررسمی را ۳۱ درصد برآورد کرده است. تعریف ارائه شده در این تحقیق عبارت بود از کارگرانی که تحت پوشش نهادهای تأمین اجتماعی نبودند.

اشنایدر^۱ (۲۰۰۵)، در مقاله‌ای با عنوان "اقتصاد زیرزمینی در اطراف دنیا"، حجم اقتصاد زیرزمینی ۱۱۰ کشور توسعه یافته، در حال گذار و در حال توسعه را بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ محاسبه کرده است. نتایج بیان‌کننده آن است که حجم اینگونه فعالیت‌ها در کشورهای در حال توسعه در حدود ۴۱ درصد GDP و این درصد برای کشورهای در حال گذار ۳۸ درصد GDP و بالاخره برای کشورهای توسعه یافته در حدود ۱۷ درصد GDP بوده است. افزایش بار مالیاتی و همچنین بار بیمه‌های اجتماعی از مهم‌ترین دلایل افزایش اقتصاد زیرزمینی بوده است. سارتوری و گایلو^۲ (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای با عنوان "تجزیه و تحلیل ساختاری اشتغال رسمی و غیر رسمی در اقتصاد برزیل"، با استفاده از روش داده-ستانده و به کارگیری جریان‌های کالا و خدمات بین بخش‌های مختلف، سهم اشتغال غیررسمی اقتصاد برزیل را در سال ۲۰۰۳، ۵۲ درصد برآورد کرده‌اند. نتیجه این بررسی، حاکی از رابطه معکوس بین سهم اشتغال رسمی از کل اشتغال بخش‌ها بوده، یعنی بخش کشاورزی با داشتن بیشترین حجم اشتغال، سهم آن از اشتغال رسمی کمترین مقدار است.

هنلی و همکاران^۳ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای با عنوان "تعریف و اندازه‌گیری بخش غیر رسمی: بررسی از برزیل"، با استفاده از تحلیل پرسشنامه‌های گردآوری شده از خانوارهای برزیلی در دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۲ و تحلیل رگرسیونی حجم اشتغال غیررسمی این کشور را ۶۳ درصد برآورد کردند. در این تحقیق، عوامل سطح سواد پایین افراد و گرایش زنان به فعالیت غیررسمی به دلیل ضعف سیستم‌های حمایتی اجتماعی و امنیت شغلی برای آنان، در گسترش اشتغال غیررسمی مؤثر و معنی دار دانسته شده است.

بوش و همکاران^۴ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای با عنوان "آزادی تجارت، اصلاحات کار و پویایی اشتغال رسمی و غیر رسمی"، به منظور تشریح افزایش غیررسمیت در بازارهای کار برزیل از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۲، جریان‌ات ناخالص نیروی کار را بررسی می‌کنند. آنها به طور خاص اثر اصلاحات تجاری و سازمانی (شامل هزینه‌های افزایش یافته اجراج کارگر، قیود محدودتر برای ساعات اضافه‌کاری و محدودیت‌های کمتر بر فعالیت اتحادیه‌ها) صورت گرفته طی دوره مورد بررسی را آزمون کردند. بر اساس یافته‌های آنان، تحرکات کلان بخشی به طور جالب توجهی تحت تأثیر نرخ استخدام قرار دارند. در مقابل، نرخ‌های استخدام نیز متأثر از اصلاحات سازمانی هستند. آزادسازی تجاری تنها یک تا ۲/۵ درصد از تغییرات را باعث می‌شود، درحالی‌که ۳۰ تا ۴۰ درصد تأثیرات از جانب اصلاحات سازمانی انجام می‌شود.

1. Schneider
2. Sartori & Guilhoto
3. Henley *et al.*
4. Bosch *et al.*

گانتر و لونو^۱ (۲۰۱۲)، در مطالعه خود تحت عنوان "اشتغال غیررسمی در کشورهای در حال توسعه: فرصت یا آخرین راه حل"، اشتغال غیررسمی را در بازار کار شهری ساحل عاج بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که بخش غیررسمی در بازار کار شهری ساحل عاج از دو بخش تشکیل شده است که هر بخش، معادله دستمزد منحصر به فرد خود را دارد. همچنین یک بخش از نظر درآمد، متوسط و بازده آموزش و تجربه نسبت به بخش دیگر، بالاتر است. نتیجه دیگر آنکه بخش غیررسمی برای برخی از افراد، یک استراتژی از آخرین راه حل برای فرار از بیکاری و برای بعضی دیگر، دارای مزیت نسبی است.

نایب (۱۳۷۸) در پایان‌نامه خود با عنوان "بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری ایران"، اقدام به ارائه تصویری از بخش غیررسمی شهری ایران نموده است. در مطالعه او بخش غیررسمی شهری ایران بر اساس مالکیت بنگاه و نوع شغل، تفکیک و علل پیدایش بخش غیررسمی شهری ایران بررسی شده است. وی بخش غیررسمی را مشاغل آزاد و مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی در نظر می‌گیرد که مالیات پرداخت نمی‌کنند. به اعتقاد وی، احتمال علت رشد بخش غیررسمی در ایران، هزینه‌های بوروکراسی، تنگناهای اقتصادی و هزینه‌های بالای مبادله است. او با استفاده از آمار بودجه خانوار، سهم اشتغال غیررسمی را در سالهای ۶۴، ۶۸، ۷۲ و ۷۶ برآورد کرده، و سهم اشتغال غیررسمی در این سال‌ها بین ۶۰ تا ۶۵ درصد بوده است.

کریمی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان "قانون حداقل دستمزد و اشتغال غیر رسمی در ایران"، نشان می‌دهد که قانون حداقل مزد برای سهم فزاینده کارگران در ایران مؤثر نیست؛ زیرا اقتصاد کشور عملکرد مناسبی ندارد، نرخ بیکاری در حال افزایش است و نهادهای بازار کار، کارآمد نیستند. او نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در میان مردان و زنان در خلال سال‌های ۸۷-۱۳۸۴ افزایش داشته و شکاف بین میانگین مزد و حداقل مزد کاهش یافته است. این به معنای آن است که نرخ بالای بیکاری شمار فزاینده‌ای از کارگران ماهر و نیمه ماهر را ناگزیر ساخته تا مشاغلی با دستمزدهای پایین‌تر از حداقل قانونی را بپذیرند. علی‌رغم این واقعیت که متوسط سطح تحصیلات در میان زنان فعال بالاتر از مردان است، ولی نسبت زنان در اشتغال غیررسمی بالاتر است. اما نسبت کارگران مرد در اشتغال غیررسمی نیز در دوره مورد بررسی بسیار سریع افزایش یافته است. در سال ۱۳۸۷، یک چهارم مردان و یک سوم زنان شاغل با مزدهای پایین‌تر از حداقل رسمی مشغول به کار بوده‌اند.

رنانی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی از دست رفته در استان کهگیلویه و بویراحمد"، با بررسی سهم بخش غیررسمی قابل ارتقاء در این استان، تأثیر آن را بر افزایش ظرفیت مالیاتی از دست رفته به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی استان نشان می‌دهند؛ که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تقریباً نیمی از شاغلان بخش غیررسمی استان، امکان فعالیت در بخش رسمی را دارند و قابل ارتقاء هستند.

۳. محاسبه اشتغال غیررسمی

در میان مفاهیم مورد توجه برای بخش غیررسمی، به عدم برخورداری شاغلان این بخش از حمایت‌های شغلی اشاره شده، که این مفهوم، مورد توجه بانک جهانی بوده است و در این راستا می‌توان به بیمه‌های اجتماعی و حداقل دستمزد اشاره نمود. طبق تعریف هفدهمین کنفرانس آماردانان کار، شاغلان در صورتی جزء شاغلان بخش غیررسمی در نظر گرفته می‌شوند که اشتغال آنها رسماً یا عملاً به موضوع قوانین ملی کار، مالیات بر درآمد، حمایت اجتماعی یا برخورداری از مزایای اشتغال ارتباطی نداشته باشد. شاخص مورد استفاده برای تعیین اشتغال غیررسمی در این پژوهش، برخورداری از حداقل دستمزد رسمی و بیمه‌های اجتماعی است.

از آنجا که شاغلان طرح نمونه‌گیری هزینه درآمد خانوار مرکز آمار به دو دسته شاغلان مزد و حقوق‌بگیر (بخش عمومی، تعاونی و خصوصی) و مشاغل آزاد (خوداشتغالان) در وضعیت‌های کارفرما، کارکن مستقل و کارکن فامیلی تقسیم‌بندی شده‌اند. برای هر یک از این افراد، درآمد یک سال گذشته آنان و برای شاغلان مزد و حقوق‌بگیر، مزد دریافتی ماه گذشته وجود دارد. از آنجایی که مشخص نیست که شاغل مزد و حقوق‌بگیر نمونه در تمامی ماه‌های سال، این میزان مزد را به صورت ثابت دریافت کرده است یا نه، بنابراین درآمد یک سال گذشته آنان در این پژوهش برای تمامی شاغلان مزد و حقوق‌بگیر و خوداشتغالان به عنوان ملاک برخورداری از حداقل مزد یا درآمد (مزد قانونی تعیین شده به وسیله قانون کار) قرار داده می‌شود. افزون بر شاخص برخورداری از حداقل مزد، تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی بودن نیز یکی دیگر از شاخص‌های تعیین‌کننده اشتغال غیررسمی در این پژوهش است. بنابراین فرد شاغلی که از حداقل دستمزد یا بالاتر و بیمه‌های اجتماعی (بیمه‌های غیر درمانی تأمین اجتماعی، حق بازنشستگی کارکنان مشمول خدمات درمانی، حق بیمه‌های غیردرمانی پرداختی توسط نهادها و سازمان‌ها برای اشخاص و...) برخوردار باشد، رسمی و در غیر این صورت، اشتغال وی غیررسمی محسوب می‌گردد. آن دسته از افراد شاغل نمونه که از میزان حداقل دستمزد قانونی و یا درآمدهای بالا (برای خوداشتغالان) برخوردارند اما تحت پوشش هیچ نوع بیمه‌ای قرار ندارند، غیررسمی به حساب آمده‌اند و بالعکس.

۳-۱. توزیع شاغلان بر حسب اشتغال غیررسمی و رسمی

اشتغال غیررسمی در دوره مورد بررسی برآورد گردید. همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، اشتغال غیررسمی در این دوره یک روند افزایشی را طی کرده، و از ۶۷/۱ درصد، در سال ۸۰ به ۷۳/۹ درصد در سال ۹۳ رسیده است. به این ترتیب، اشتغال غیررسمی طی دوره مورد بررسی ۶/۸ درصد افزایش داشته است، و در این دوره میزان اشتغال رسمی کاهش، و تعداد مشاغل غیررسمی افزایش یافته است.

جدول ۱. توزیع نمونه شاغلان رسمی و غیررسمی

در بین کل شاغلان نمونه مورد بررسی استان کردستان

جمع	فاصله اطمینان درصد اشتغال رسمی در سطح ۹۵ درصد حد بالا		اشتغال رسمی	فاصله اطمینان درصد اشتغال غیررسمی در سطح ۹۵ درصد حد پایین		اشتغال غیررسمی		
	حد بالا	حد پایین		حد بالا	حد پایین		تعداد	درصد
۲۱۹	۲۶/۶	۳۹/۱	۷۲	۶۰/۹	۷۳/۳	۱۴۷	تعداد	کل
			۳۲/۹			۶۷/۱	درصد	
۲۱۱	۲۴/۶	۳۷/۱	۶۵	۶۲/۹	۷۵/۴	۱۴۶	تعداد	مردان
			۳۰/۸			۶۹/۲	درصد	
۸	۱۰۰	۶۴/۶	۷	۰	۳۵/۴	۱	تعداد	زنان
			۸۷/۵			۱۲/۵	درصد	
۴۰۲	۳۰/۴	۲۱/۸	۱۰۵	۶۹/۶	۷۸/۲	۲۹۷	تعداد	کل
			۲۶/۱			۷۳/۹	درصد	
۳۷۶	۲۷/۷	۱۹/۱	۸۸	۷۲/۳	۸۰/۹	۲۸۸	تعداد	مردان
			۲۳/۴			۷۶/۶	درصد	
۲۶	۸۳/۷	۴۷/۱	۱۷	۱۶/۳	۵۲/۹	۹	تعداد	زنان
			۶۵/۴			۳۴/۶	درصد	

مأخذ: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینه خانوار و محاسبات پژوهش

همچنین در جدول (۱)، سهم شاغلان غیررسمی بر حسب جنسیت ارائه شده است. طبق نتایج به دست آمده، سهم اشتغال غیررسمی در بین مردان طی دوره مورد بررسی، یک روند صعودی داشته و از ۶۹/۲ درصد در سال ۸۰ به ۷۶/۶ درصد در سال ۹۳ رسیده، و میزان اشتغال غیررسمی در بین زنان نیز، از ۱۲/۵ درصد در سال ۸۰ به ۳۴/۶ درصد در سال ۹۳ افزایش یافته است. به طور کلی زنان در سال ۸۰، در صورتی وارد بازار کار شده‌اند، که امکان فعالیت در بخش رسمی را یافته‌اند، ولی نتایج جدول (۱)، برای سال ۹۳ قابل تأمل بوده، و همان‌طور که می‌بینیم، میزان اشتغال غیررسمی زنان در سال ۹۳ به ۳۴/۶ درصد رسیده است و این، یعنی رشد ۲۲ درصدی و کاهش فرصت‌های اشتغال رسمی برای زنان.

با توجه به آنکه در محاسبات، از اطلاعات نمونه استفاده شده، جهت تبیین بهتر از سطح رخداد اشتغال رسمی و غیررسمی، فاصله اطمینان در سطح احتمال ۵ درصد محاسبه و در جدول (۱) آمده است. برای تفسیر نمونه‌ای در سال ۹۳، محاسبات نشان می‌دهد که با سطح اطمینان ۹۵ درصد، نسبت اشتغال رسمی به کل اشتغال در حدود ۲۱/۸ تا ۳۰/۴ درصد بوده، و این فاصله اطمینان برای اشتغال غیررسمی مابین ۶۹/۶ تا ۷۸/۲۳ درصد است.

۲-۳. توزیع شاغلان غیررسمی بر حسب نوع فعالیت

جدول (۲) توزیع شاغلان غیررسمی در سال‌های ۸۰ و ۹۳ را به تفکیک جنسیت و نوع فعالیت نشان می‌دهد. بیشترین تعداد شاغلان غیررسمی مرد در فعالیت‌های ساختمانی، عمده فروشی

و خرده‌فروشی، صنعت و حمل و نقل فعالیت داشته‌اند. زنان شاغل در بخش غیررسمی بیشتر در بخش خدمات فعال بوده‌اند.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، در این پژوهش وضعیت اشتغال در مناطق شهری استان کردستان مورد مطالعه قرار گرفته است، از اینرو در نمونه مورد بررسی، میزان فعالیت‌های کشاورزی و استخراج و معدن، صفر بود. از این رو، میزان اشتغال غیررسمی در بخش‌های صنعت و معدن و ساختمان و خدمات مورد بررسی قرار گرفته است. مطابق با نتایج جدول (۳) می‌توان استنباط کرد، سهم بخش خدمات از کل اشتغال در هر سه سال بیش از ۶۰ درصد بوده، اما به دلیل ماهیت فعالیت‌های این بخش، سهم کمتری از اشتغال غیررسمی را به خود اختصاص داده است. در فعالیت‌هایی همچون آموزش، بهداشت، واسطه‌گری‌های مالی (بخش کمی از کل اشتغال را نیز دارا است) و غیره سهم بخش غیررسمی بسیار کم و در برخی موارد صفر است. اما سهم بزرگی از فعالیت‌هایی همچون عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و حمل و نقل در بخش خدمات، متعلق به بخش غیررسمی بوده است.

جدول ۲. توزیع نمونه برحسب نوع فعالیت شاغلان غیررسمی

در بین کل نمونه مورد بررسی استان کردستان

سال	جنسیت	تعداد	درصد	خدمات											
				صنعت و معدن	ساختمان	عمده و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل	واسطه‌گری‌های مالی	مستغلات	اداره دفاع و تأمین اجتماعی	آموزش	تعمیرات	سایر خدمات	شماره
۱۳۸۰	کل	تعداد	۱۹	۵۲	۴۸	۲	۱۳	۱	۳	۳	۲	۰	۱	۵	۱۴۷
		درصد	۱۲/۹	۳۵/۴	۳۲/۶	۱/۴	۸/۸	۰/۹	۲/۰۴	۲/۰۴	۰/۹	۲/۰۴	۰	۰/۹	۳/۴
	مردان	تعداد	۱۹	۵۲	۴۷	۲	۱۳	۱	۳	۳	۲	۰	۱	۵	۱۴۶
		درصد	۱۳/۰	۳۵/۶	۳۲/۲	۱/۴	۸/۹	۰/۹	۲/۰۵	۲/۰۵	۰/۹	۲/۰۵	۰	۰/۹	۳/۴
	زنان	تعداد	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
		درصد	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰
۱۳۹۳	کل	تعداد	۱۵	۱۰۷	۸۷	۶	۴۶	۱	۲	۱۴	۳	۲	۲	۱۴	۲۹۷
		درصد	۵/۰۵	۳۶/۰	۲۹/۳	۲/۰۲	۱۵/۵	۰/۳	۴/۷	۰/۷	۴/۷	۱/۰۱	۰/۷	۰/۷	۴/۷
	مردان	تعداد	۱۴	۱۰۶	۸۶	۶	۴۶	۱	۲	۱۱	۲	۲	۲	۱۱	۲۸۸
		درصد	۴/۹	۸۳/۶	۲۹/۹	۲/۱	۱۵/۹	۰/۳	۳/۸	۰/۷	۳/۸	۰/۷	۰/۳	۰/۷	۴/۵
	زنان	تعداد	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۱	۱	۱	۹
		درصد	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۰	۰	۰	۰	۰	۳۳/۳	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱

مأخذ: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینه خانوار و محاسبات پژوهش

به‌طور کلی در سال ۸۰، ۸۵/۵ درصد از فعالیت‌های بخش صنایع و ۵۵/۹ درصد از فعالیت‌های بخش خدمات، متعلق به بخش غیررسمی بوده است. اما به دلیل اینکه بخش صنایع

سهام کمتری از اشتغال کل را دارا بوده، سهم آن از کل اشتغال غیررسمی ۴۸/۳ درصد و سهم بخش خدمات از کل اشتغال غیررسمی ۵۱/۷ درصد است. در سال ۹۳، ۹۱/۰۴ درصد از فعالیت‌های بخش صنایع و ۶۵/۳ درصد از فعالیت‌های بخش خدمات متعلق به بخش غیررسمی بوده، و سهم بخش صنایع از کل اشتغال غیررسمی ۴۱/۱ درصد و سهم بخش خدمات ۵۸/۹ درصد است.

جدول ۳. سهم بخش‌های اقتصادی استان کردستان از اشتغال غیررسمی

جمع	خدمات	صنایع و معادن		
۲۱۹	۱۳۶	۸۳	کل شاغلان	سال ۸۰
۱۰۰	۶۲/۱	۳۷/۹	سهم بخش از کل اشتغال	
۱۴۷	۷۶	۷۱	تعداد شاغلان غیررسمی	
۶۷/۱	۵۵/۹	۸۵/۵	میزان اشتغال غیررسمی در بخش	
۱۰۰	۵۱/۷	۴۸/۳	سهم بخش از کل اشتغال غیررسمی	
۴۰۲	۲۶۸	۱۳۴	کل شاغلان	سال ۹۳
۱۰۰	۶۶/۷	۳۳/۳	سهم بخش از کل اشتغال	
۲۹۷	۱۷۵	۱۲۲	تعداد شاغلان غیررسمی	
۷۳/۹	۶۵/۳	۹۱/۰۴	میزان اشتغال غیررسمی در بخش	
۱۰۰	۵۸/۹	۴۱/۱	سهم بخش از کل اشتغال غیررسمی	

مأخذ: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینه خانوار و محاسبات پژوهش

۴. محاسبه سهم بخش غیررسمی قابل ارتقا به بخش رسمی^۱

برای برآورد منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در بخش غیررسمی از مفهوم فعالیت‌های غیررسمی قابل ارتقا استفاده می‌شود. با این فرض که اگر افرادی که در بخش غیررسمی مشغول به کارند، به بخش رسمی ارتقا یابند (طبق تعریف تحت حمایت بیمه‌های اجتماعی قرار گیرند)، به چه میزان منابع دریافتی تأمین اجتماعی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر در حال حاضر، با این میزان از اشتغال غیررسمی که قابلیت ارتقا به بخش رسمی را دارند، میزان منابع از دست رفته تأمین اجتماعی چقدر است.

۴-۱. محاسبه اشتغال غیررسمی قابل ارتقا به اشتغال رسمی

در برآورد اشتغال غیررسمی، دو شاخص حداقل دستمزد و برخورداری از بیمه‌های اجتماعی (بیمه‌های غیردرمانی)، معیار ارزیابی قرار گرفت. در بین شاغلان غیررسمی افرادی بودند که

۱. روش به کار گرفته شده در این بخش، برگرفته از مطالعه رنای و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان "بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی از دست رفته" می‌باشد.

تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار داشتند؛ اما از حداقل مزد رسمی برخوردار نبودند، هر چند که لزوم اجرای قوانین کار در مورد این گروه از شاغلان، ضروری و لازم‌الاجرا است، ولی چون هدف ما برآورد منابع مالی از دست رفته تأمین اجتماعی است، از اینرو این افراد در زمره مشاغل غیررسمی قابل ارتقا قرار نمی‌گیرند. از سوی دیگر، وضع شغلی کارکنان فامیلی نیز نشان دهنده فعالیت کامل آنها در بخش غیررسمی است. از آنجا که این گروه از مشاغل ماهیتاً غیررسمی هستند، از این رو در زمره بخش غیررسمی غیرقابل ارتقا طبقه‌بندی می‌شوند. بنابراین، تنها موقعیت مشاغل بخش خصوصی در وضعیت‌های کارفرما، کارکن مستقل و مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی و بخش عمومی و تعاونی که پرداخت کننده بیمه نیستند، در زمره مشاغل غیررسمی قابل ارتقا قرار می‌گیرند.

۲-۴. برآورد منابع مالی از دست رفته تأمین اجتماعی

به این ترتیب، منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در هر کد فعالیت را می‌توان به صورت زیر محاسبه کرد:

$$SR_i = \frac{NIE_i * ES_i}{NS_i} \quad (1)$$

که در آن، SR_i نشان دهنده منابع از دست‌رفته تأمین اجتماعی در کد فعالیت i و به صورت درصدی از منابع کنونی قابل بیان است. همچنین NIE_i نشان دهنده تعداد شاغلان فعال در بخش غیررسمی قابل ارتقا در کد فعالیت i و ES_i سهم پرداخت‌کنندگان بیمه در بخش رسمی در کد فعالیت i و NS_i تعداد کل پرداخت‌کنندگان بیمه در کد فعالیت i است. از ترکیب این کد فعالیت‌ها، می‌توان منابع از دست‌رفته در بخش‌های عمده اقتصادی را نیز محاسبه کرد. البته وزن منابع از دست‌رفته کد فعالیت‌ها در هر بخش اقتصادی، به تعداد شاغلان آن کد فعالیت در بخش اقتصادی مورد نظر بستگی خواهد داشت. در نتیجه، منابع از دست رفته در هر بخش اقتصادی را می‌توان از جمع وزنی منابع از دست رفته در کد فعالیت‌های مربوط به آن بخش به دست آورد. بنابراین، منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در هر بخش به صورت زیر خواهد بود:

$$SR_k = \sum_{i=1}^I SR_{ik} \frac{FE_{ik}}{FE_k} \quad (2)$$

که در آن، SR_k منابع از دست‌رفته تأمین اجتماعی در بخش k (به صورت درصدی از کل منابع کنونی تأمین اجتماعی در آن بخش)، SR_{ik} منابع از دست رفته تأمین اجتماعی کد فعالیت i در بخش k (به صورت درصدی از کل منابع کنونی تأمین اجتماعی در آن بخش)، FE_{ik} تعداد شاغلان رسمی در کد فعالیت i در بخش k و FE_k کل شاغلان رسمی در بخش k است.

۳-۴. برآورد منابع مالی از دست رفته تأمین اجتماعی

جدول (۴) سهم اشتغال غیررسمی، سهم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا و منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در فعالیتهای مختلف اقتصادی را در سالهای ۸۰ و ۹۳ نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، سهم بخش غیررسمی قابل ارتقا در سال ۸۰ در بخش آموزش صفر بوده است و بنابراین، میزان منابع از دست رفته تأمین اجتماعی نیز در این کد فعالیت صفر خواهد بود. به طور کلی، در دو حالت می‌توان شاهد صفر شدن سهم بخش غیررسمی قابل ارتقا بود:

حالت نخست، مختص کد فعالیت‌هایی است که از ماهیتی کاملاً رسمی برخوردارند. بنابراین، در چنین فعالیت‌هایی به طور اصولی امکان فعالیت شاغلان غیررسمی وجود ندارد و از این‌رو، سهم بخش غیررسمی قابل ارتقا و غیرقابل ارتقا صفر خواهد بود.

جدول ۴. اشتغال غیررسمی، اشتغال غیررسمی قابل ارتقا و منابع از دست‌رفته تأمین اجتماعی استان کردستان (درصد)

کل استان	خدمات							ساختمان	صنعت و معدن			
	سایر خدمات	بهداشت	آموزش	اداره دفاع و تأمین اجتماعی	مستغلات	واسطه‌گری‌های مالی	حمل و نقل				هنر و رستوران	عمده و خرده فروشی
-	۸۳/۳	۱۴/۳	۰/۰	۱۳/۶	۷۵	۳۳/۳	۸۱/۲	۵۰	۹۰/۶	۹۴/۵	۶۷/۸	سهم اشتغال غیررسمی در کد فعالیت I
-	۸۳/۳	۱۴/۳	۰/۰	۹/۰	۷۵	۳۳/۳	۸۱/۲	۵۰	۸۴/۹	۹۴/۵	۶۰/۷	سهم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا در کد فعالیت I
۶۷/۱	۳/۴	۰/۷	۰/۰	۲/۰	۲/۰	۰/۷	۸/۸	۱/۴	۳۲/۶	۳۵/۴	۱۲/۹	سهم کد فعالیت I از کل اشتغال غیررسمی
۶۴/۴	۳/۵	۰/۷	۰/۰	۱/۴	۲/۱	۰/۷	۱۹/۲	۱/۴	۳/۱	۳۶/۹	۱۲/۱	از کل اشتغال افعالیت سهم کد ارتقا غیررسمی قابل
۴۲/۲	۶/۹	۱/۴	۰/۰	۲/۷	۴/۱	۱۳/۸	۱۸/۰	۲/۸	۶۲/۵	۷۲/۱	۲۲/۷	اجتماعی منابع از دست رفته تأمین ادر کد فعالیت
-	۸۷/۵	۲۲/۳	۶/۹	۴۵/۲	۱۰۰	۱۶/۷	۷۷/۹	۷۵	۹۲/۵	۹۵/۵	۶۸/۲	سهم اشتغال I غیررسمی در کد فعالیت
-	۸۷/۵	۱۱/۱	۴/۶	۲۸/۰	۱۰۰	۱۶/۷	۷۷/۹	۷۵	۸۴/۰	۸۸/۴	۶۳/۶	سهم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا در کد فعالیت
۷۳/۹	۳/۴	۰/۶	۰/۹	۳/۴	۰/۶	۰/۳	۱۴/۱	۱/۸	۲۶/۷	۳۲/۸	۴/۶	سهم کد فعالیت I از کل اشتغال غیررسمی
۶۸/۹	۸۷/۵	۱۱/۱	۴/۶	۳/۰	۰/۰	۰/۳	۱۵/۴	۲/۰	۲۶/۵	۳۳/۲	۴/۷	فعالیت از کل اشتغال I سهم کد ارتقا غیررسمی قابل
۶/۱	۱۳/۲	۰/۹	۱/۹	۸/۵	۰/۰	۰/۹	۴۳/۴	۵/۶	۷۴/۵	۹۳/۲	۱۳/۲	در اجتماعی منابع از دست‌رفته تأمین I کد فعالیت

مأخذ: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینه خانوار و محاسبات پژوهش

حالت دوم، مختص فعالیت‌هایی است که برخی از زیرکده‌های آن ماهیتی کاملاً رسمی و برخی از زیرکده‌های آن ماهیتی کاملاً غیررسمی دارند. در این حالت، با اینکه سهم بخش غیررسمی در کد فعالیت مورد نظر صفر نیست، اما سهم بخش غیررسمی قابل ارتقا صفر است و در واقع، هیچیک از فعالیت‌های غیررسمی موجود در آن کد فعالیت، قابلیت رسمی شدن ندارند. بنابراین، انتظار می‌رود، در چنین کد فعالیت‌هایی نیز منابع از دست رفته تأمین اجتماعی وجود نداشته باشد. نمونه آن، فعالیت‌های مستغلات در سال ۹۳ است که سهمی معادل ۰/۶ درصد از کل اشتغال غیررسمی را به خود اختصاص داده‌است، اما ماهیتی کاملاً غیررسمی دارند و قابل ارتقا به بخش رسمی نیستند، و از این رو، منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در این کد فعالیت، قابل تعریف نیست.

در مقابل، برخی از کد فعالیت‌ها در استان، ظرفیت منابع از دست رفته بالایی دارند. ظرفیت منابع از دست رفته در فعالیت ساختمان در سال ۸۰، ۷۲/۱ درصد است، و ۹۴/۵ درصد شاغلان غیررسمی این فعالیت، قابلیت ارتقا به اشتغال رسمی را دارند، به بیان دیگر، در ۹۴ درصد از فعالیت‌های ساختمانی، ظرفیت نهفته‌ای وجود دارد که فعلاً از دست می‌رود و در صورت تحت پوشش بیمه قرار گرفتن این جمعیت، منابع تأمین اجتماعی، می‌تواند معادل ۰/۷ برابر منابع موجود، در این بخش افزایش یابد. همچنین ظرفیت از دست رفته منابع تأمین اجتماعی در فعالیت‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی ۶۲/۵ درصد است، و ۸۴/۹ درصد از فعالیت‌های غیررسمی آن قابل ارتقا به بخش رسمی هستند. بیشترین ظرفیت منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در سال ۹۳ نیز متعلق به فعالیت‌های ساختمانی با ۹۳/۲ درصد بوده است. در جدول (۵)، منابع از دست رفته تأمین اجتماعی به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی استان در سال‌های ۸۰ و ۹۳ محاسبه شده است.

جدول ۵. منابع از دست‌رفته تأمین اجتماعی به تفکیک بخش‌های

عمده اقتصادی استان کردستان (درصد)

منابع از دست‌رفته تأمین اجتماعی	سهم بخش غیررسمی قابل ارتقا	سهم بخش غیررسمی		
۳۵/۷	۸۳/۱	۸۵/۵	صنایع و معادن	سال ۸۰
۷/۴	۵۲/۹	۵۸/۹	خدمات	
۴۳/۲	۶۴/۴	۶۷/۱	کل استان	
۴۶/۵	۸۴/۳	۹۱/۰۴	صنایع و معادن	سال ۹۳
۱۴/۵	۵۹/۷	۶۵/۳	خدمات	
۶۱/۰۸	۶۸/۹	۷۳/۹	کل استان	

مأخذ: طرح نمونه‌گیری درآمد و هزینه خانوار و محاسبات پژوهش

بررسی منابع از دست رفته تأمین اجتماعی، به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی استان، نشان می‌دهد در کل دوره مورد بررسی، بیش از نیمی از شاغلان غیررسمی استان، قابلیت ارتقا به بخش رسمی را داشته و می‌توانند تأثیر چشمگیری در افزایش منابع تأمین اجتماعی داشته باشند. در سال ۸۰، کل منابع از دست رفته تأمین اجتماعی برای استان ۴۳/۲ درصد برآورد گردیده است؛ به این مفهوم که ظرفیت مالی جدیدی به اندازه ۴۳/۲ درصد منابع کنونی آن به طور بالقوه در میان شاغلان غیر رسمی استان وجود داشته است. کل منابع از دست رفته تأمین اجتماعی برای سال ۹۳، ۶۱/۱ درصد بوده، که با توجه به روند صعودی اشتغال غیررسمی در استان، افزایش نسبت درآمد از دست رفته سازمان تأمین اجتماعی در طول این دوره، منطقی است.

۵. نتایج و ارائه پیشنهادها

نتایج حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج، بخش خدمات، دارای کمترین سهم و بخش صنعت، دارای بیشترین سهم از شاغلان غیررسمی در مناطق شهری استان کردستان است. بیشترین میزان اشتغال غیررسمی، در طی دوره مورد بررسی متعلق به فعالیت‌های ساختمانی، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و صنعت بوده، و سهم اشتغال غیررسمی در بخش‌هایی همچون آموزش، بهداشت، اداره دفاع و امور اجتماعی، صفر یا بسیار اندک، و در کل دوره مورد بررسی، میزان منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در فعالیت‌های ساختمانی بیش از ۷۰ درصد، و بیشترین سهم از مشاغل غیررسمی قابل ارتقا به اشتغال رسمی در سال‌های ۸۰ و ۹۳ متعلق به فعالیت‌های ساختمانی، و در تمامی مقاطع مورد بررسی بیش از ۶۰ درصد کل اشتغال غیررسمی قابل ارتقا به اشتغال رسمی، و بیش از ۸۰ درصد اشتغال غیررسمی در بخش صنایع و معادن، قابل ارتقا به اشتغال رسمی بوده است.

در مجموع با توجه به گسترش اشتغال غیررسمی در سال‌های مورد بررسی در استان کردستان، و محرومیت شاغلان غیررسمی از چتر حمایتی قانون کار و افزایش احتمال فقر در میان این گروه، پیشنهاد می‌شود:

نخست، شناسایی قابلیت‌ها و توانایی‌های اقتصادی استان کردستان جهت افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه بخش رسمی صورت پذیرد.

دوم، با اولویت دادن به طرح‌های اشتغال‌زا، به افزایش اشتغال رسمی کمک شود.

سوم، همراه با نظارت مؤثر بر اجرای صحیح قانون کار در جهت بهبود حقوق و حمایت از کارگران بخش غیررسمی، در گسترش چتر حمایت‌های اجتماعی اقدام گردد.

منابع

- احمدی، زریان. (۱۳۹۵). اثر اشتغال غیررسمی بر منابع مالی تأمین اجتماعی (مطالعه موردی: مناطق شهری استان کردستان). پایان نامه کارشناسی ارشد، بابلسر: دانشگاه مازندران.

- بختیاری، صادق و خوب خواهی، خجسته. (۱۳۹۰). اشتغال در بازار کار غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران ۱۳۸۵-۱۳۵۱. *دوفصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی*، ۸، ۱۵، صص ۱۳۸-۱۱۷.
- پیرویان، ویلیام و جیوار، عبدالحسین. (۱۳۸۲). قوانین و مقررات تأمین اجتماعی (مجموعه کامل از بدو قانونگذاری تا پایان سال ۱۳۸۲). مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- جهان تیغ، الهام. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی جوانان در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- رنای، محسن؛ اربابیان، شیرین و میرزایی، محمد. (۱۳۹۱). بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی از دست رفته (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویر احمد). *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی)*، ۴۴، صص ۹۹-۱۳۰.
- روغنی زاده، مصطفی. (۱۳۸۶). چالش‌های نظام بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه تأمین اجتماعی*، ۲۹، صص ۳۰-۱۳.
- سازمان بین‌المللی کار. (۲۰۰۲). *کارشایسته و اقتصاد غیررسمی*. ترجمه محمد ضیائی بیگدلی. پژوهشکده امور اقتصادی.
- سازمان تأمین اجتماعی. (۱۳۸۴). قانون تأمین اجتماعی با آخرین اصلاحات. تهران.
- سلیمی فر، مصطفی و کیوانفر، محمد. (۱۳۸۹). اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم بر آن. *مجله دانش و توسعه*، ۳۳، صص ۲۶ - ۱.
- کریمی، زهرا. (۱۳۹۰). قانون حداقل دستمزد و اشتغال غیررسمی در ایران. اولین همایش ملی اقتصاد ایران. دانشگاه تهران.
- نایب، سعید. (۱۳۷۸). بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- نتایج سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵.
- نشریه آماری سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۴.
- نشریه آماری صندوق بازنشستگی کشوری، ۱۳۹۵.
- نیلی، مسعود، ملکی، مجتبی. (۱۳۸۵). اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش‌های تخمین اثرات آن بر بخش رسمی. *فصلنامه علمی پژوهشی شریف*، ۳۶، صص ۴۵-۵۹.
- Ahn, N., & De Rica, S. L. (1997). The underground economy in Spain: an alternative to unemployment?. *Applied Economics*, 29(6), 733-743.
- Alvaro, C. (2001). *Principles and practice of social security reform*. ISSA.
- Boeri, T., Garibaldi, P., & Macis, S. (2001). The concept and measurement of European labor market adaptability. In *Issues Paper per EU Commission Workshop*.
- Bosch, M., Goñi-Pacchioni, E., & Maloney, W. (2012). Trade liberalization, labor reforms and formal-informal employment dynamics. *Labour Economics*, 19(5), 653-667.

- Gunther, I., & Launov, A. (2012). Informal employment in developing countries: Opportunity or last resort?. *Journal of Development Economics*, 97(1), 88-98.
- Henley, A., Arabsheibani, G. R., & Carneiro, F. G. (2009). On defining and measuring the informal sector: Evidence from Brazil. *World Development*, 37(5), 992-1003.
- International Labor organization (1997). Employment, incomes and equality: A strategy for increasing productive employment in Kenya. *Geneva: ILO*.
- Lampman, R.Y. (1968). The investment of social security reserves and development problems: The Philippines as a case study. *The Role of Social Security in Economic Development*. Washington, United States Government Printing Office.
- Merrick, T. W. (1976). Employment and earnings in the informal sector in Brazil: The case of Belo Horizonte. *The Journal of Developing Areas*, 10(3), 337-354.
- Sartori, F., & Guilhoto, J. (2006). Structural analysis of the formal and informal jobs in the Brazilian economy. *46th Congress of the European Regional Science Association*.
- Schneider, F. (2005). Shadow economies around the world: what do we really know?. *European Journal of Political Economy*, 21(3), 598-562.
- Stiner, V. (1996). Wage effects of social security financing as empirical analysis of the West German experience and some policy simulations. *Employment and Center for Economic Performance*, 17, 14-96.
- World Bank (1990). World Development Report, New York: Oxford University Press.